

مؤلفه های وحدت و همگرایی از منظر قرآن

# امت واحده

شهید نعمت الله بیغان<sup>(۱)</sup>

شهید نعمت الله بیغان، در ۱۳۵۴ در شهرستان زابل متولد گردید، بخشی از دوزس مقدمات و نیز سطوح مقدماتی و عالی را در حوزه علمیه مشهد گذراند و کارشناسی علوم قرآن و حدیث را از دانشگاه علوم اسلامی رضوی دریافت کرد. در سال ۷۹ به قم آمد و ضمن ادامه تحصیلات در حوزه علمیه قم، در مقطع کارشناسی ارشد علوم قرآن و حدیث مشغول گردید او علاوه بر تدریس در سطح کارشناسی، نگارش رساله ها و مقالاتی پرداخت که در برخی از نشریات کشور منتشر شد و سرانجام در ۸۸ در مقطع کارشناسی ارشد تخصصی تاسوکی توسط گروه های اراضی قم به دستور رسید.

آن «نفس واحده» کیست، اقوال مختلفی است؛ لکن منافاتی ندارد که مراد حضرت آدم (ع) باشد<sup>(۲)</sup> فخر رازی در تفسیر آیه فوق می گوید: این امر که همه انسان ها از «نفس واحده» خلق شده اند، می طلبد که نوعی انس و اتحاد بین انسان ها برقرار باشد تا موجب زیادتیر شدن محبت و ترک تفاخر و تکبر بر یکدیگر شود.<sup>(۳)</sup>

۲. «و هو الذی انشاکم من نفس واحده فمستقر و مستودع قد فصلنا الایات لقوم یفقهون»<sup>(۴)</sup> و اوست که شما را از تن یگانه ای پدید آورد و آن گاه (شمارا) قرار گاه و ودیعت گاهی است. به راستی که آیات (خود) را برای قومی که در می یابند، به روشنی بیان کرده ایم.

علامه طباطبایی<sup>(۵)</sup>، فخر رازی<sup>(۶)</sup> و محمد رشید رضا<sup>(۷)</sup> درباره این آیه می گویند: مراد از «انشاکم» در آیه شریفه، «خلقکم» است؛ یعنی ذریه انسان با همه فزونی و گستردگی اش، به حضرت آدم (ع) منتهی می شود و بعضی از این ذریه، خلق شده و در زمین مستقرند و برخی نیز هنوز به دنیا نیامده اند و در صلب ها و رحم ها هستند و در آینده متولد خواهند شد.<sup>(۸)</sup>

چنان که آمد، طبق مفاهیم قرآن، همه انسان ها از «نفس واحده»، یعنی حضرت آدم خلق شده اند. از دیدگاه قرآن، این وحدت بشر در آفرینش، باید به وحدت در امت بینجامد؛ انسان ها فطرتاً با هم دوستی و ائمت دارند و امتی واحد، متحد و همبسته را تشکیل می دهند.

قرآن کریم، تشکیل امت واحد را یک برنامه وسیع و جهانی، برای تحقق حکومت واحد می داند. برای تحقق این آرمان در ادیان مختلف، به ظهور مصلح آخر الزمان نوید داده است که این امت جهانی را بینان می نهد.<sup>(۹)</sup>

آیات «امت واحده» در قرآن کریم «امت» به چند معنا آمده است:<sup>(۱۰)</sup>

۱. ملتی که دینی واحد دارند: «ان هذه امتکم امة واحدة»<sup>(۱۱)</sup>
  ۲. امت به معنای جماعت: «و من خلقتنا امة یهدون بالحق و به یدلون»<sup>(۱۲)</sup>
  ۳. امت به معنای چند سال: «و لئن اخرتنا عنهم العذاب الی امة معدودة»<sup>(۱۳)</sup>
  ۴. امامی که پیشوا و مقتدای سایرین است: «ان ابراهیم کان امة قانتا لله»<sup>(۱۴)</sup>
- «امت واحده» در نه آیه قرآن آمده است که این آیات را می توان، به سه دسته تقسیم کرد:
- دسته یکم. آیاتی که خطاب به پیامبران بوده و فرمان الهی را برای تشکیل امت واحد به آنان یادآور می شود. بر این اساس مردم به طور فطری و غریزی امت یگانه ای هستند و سرشت آنها اقتضا دارد که در این جهت حرکت کنند! اما اختلافاتی که پیش می آید، آنان را به تفرقه می کشاند؛ تکدید و وحدت فطری امت ها در این آیات، به این معناست که پیامبران باید موانع این وحدت را بردارند. این دسته آیات هشدار می دهد که تنها خدا شایسته سروری است و باید فقط او را عبادت کرد که این خود می تواند، موضع وحدت امت نیز باشد. سپس بیان می کند که امت های پیامبران در طول تاریخ، عصیان کرده، به تفرقه کشیده شده اند. این آیات عبارت است از:

از نگاه قرآن، انسان ها در آفرینش از یک گوهرند؛ یعنی همه از حضرت آدم به وجود آمدند؛ لیکن به سبب امتحان بشر و ظهور استعدادها و ظرفیت های او و نیز حسد و دنیا طلبی، فرقه گرایی، تفرقه افکنی های دشمنان و بدخواهان، القانات شیطانی، مسخره کردن متقابل افراد و گروه ها، دادن لقب های زشت به هم و سوء ظن به یکدیگر، این وحدت فروپاشیده است. قرآن کریم برای تحقق دوباره امت واحده، این مؤلفه ها را پیشنهاد می دهد: اخوت میان مسلمانان، مودت، الفت، رحمت مسلمانان نسبت به هم، رافت، عفو، فضل، صفع، اصلاح، تعارف، احترام به سایر ادیان و پیامبران الهی و رد انحصار طلبی گروهی خاص در مورد خداوند.

مقدمه  
آیا انسان ها ذاتاً از یکدیگر یگانه اند یا در ذات خود، به همکاری و همگرایی تمایل دارند؟ در صورت همگرایی ذاتی انسان ها، چه عواملی موجب تفرقه، واگرایی و فروپاشی وحدت می شود؟ به نظر می رسد با توجه به آموزه های اسلامی، دلایل فراوانی مبنی بر وجود زمینه ها و عناصر همگرایی، وفاق، اتحاد و تعاون، و در یک کلام، امت واحده، در انسان ها وجود دارد که در این مقاله، به مطالعه و بررسی این موضوع می پردازیم.

منظور از «وحدت انسان ها»، توحید اعتقادی و دینی و کنار گذاشتن اختلافات فکری، اعتقادی و سلیقه ای میان آنها نیست، بلکه منظور این است که با حفظ این اختلافات، نسبت به هم مددلی بیابند و به حقوق یکدیگر احترام بگذارند و مصالح متقابل را رعایت کنند. همچنین منظور از «وحدت امت اسلامی»، وحدت مواضع اعتقادی و فقهی، و عدم بیان آنها نیست، بلکه مقصود این است که نخست، فرقه های اسلامی به طور صحیح یکدیگر را بشناسند، از مواضع فکری و اعتقادی هم کاملاً آگاه شوند و برای حفظ و گسترش کیان اسلام، از نزاعی که قرآن از آن نهی کرده: «لا تنازعو فافتشلوا و تذهب ریحکم»<sup>(۱۵)</sup> بپرهیزند و برای دفاع از ساحت قرآن و اصول ثابت و مشترک اسلامی، ید واحده باشند. از دیدگاه قرآن کریم، انسانها در خلقت وحدت دارند، چون خداوند آنها را از «نفس واحده» آفریده است: «نفس» به معنای عین است و نفس هر شی، یعنی عین آن شی، و نفس انسان چیزی است که قوام انسان به آن است و انسان به واسطه آن، انسان است و آن، مجموع روح و جسم انسان در این دنیا و روح به تنهایی در برزخ است.<sup>(۱۶)</sup>

در آیات ذیل بر مفهوم نفس واحده تأکید شده است:

۱. «یا ایها الناس اتقوا ربکم الذی خلقکم من نفس واحده و خلق منها زوجها و بئ منه ما رجلا کثیرا و نساء»<sup>(۱۷)</sup> ای مردم، از پروردگارتان پروا کنید، همو که شما را از یک تن یگانه بیافرید و همسر او را هم از او پدید آورد و از آن دو، مردان و زنان بسیاری پراکند.

علامه طباطبایی و فخر رازی معتقدند که مراد از «نفس واحده» در آیه شریفه، حضرت آدم (ع) و مراد از «زوجها»، همسرش حواست، که این دو والدین انسان ها هستند و خلقت حوائز از آدم (ع) است، بنابراین خلقت همه انسان ها به حضرت آدم منتهی شده، در خلقت وحدت دارند.<sup>(۱۸)</sup> محمد رشید رضا نیز با تأکید بر اینکه همه انسان ها از نفس واحده خلق شده اند و در خلقت واحدند می گوید: در اینکه

۱. «ان هذه امتكم امة واحدة و اتارىكم فاقهون و تقظوا امرهم ينهم كل الينا راجعون»<sup>(۳۰)</sup> این امت شماست که منی یگانه است و من پروردگار شما هستم، پس مرا پرستید، ولی آنان در کار خود اختلاف یافتند و همگی شان به سوی ما باز می گردند.

۲. «ان هذه امتكم امة واحدة و اتارىكم فاقهون تقظوا امرهم ينهم زيرا كل حزب بما لديهم فرحون»<sup>(۳۱)</sup> و همانالین امت شماست، امتی یگانه و من پروردگار شما هستم، از من بپراکنید، ولی آنان در کارشان میان خود اختلاف و تفرقه یافتند؛ هر گروهی به آنچه در دست دارد شادمان است.

فخر رازی می گوید: مراد از وحدت امت، وحدت در دین است و مراد از دین، اصولی است که مورد قبول همه شرایع است؛ مثل التزام به وجود ذات خداوند و صفاتش و امثال آن. بنابراین مختلف بودن شریعت های پیامبران، خللی به وحدت امت وارد نمی سازد، چون به هر حال پیروان همه شرایع به اصول واحدی ملتزم هستند.<sup>(۳۲)</sup> دست دوم آیتی که هر نوع مشیت جبر آمیز خداوند را برای رسیدن به امت واحد نفی می کند و نشان می دهد که لواءه خدا بر این تعلق گرفته که انسان با انتخاب و اختیار خود، به امت واحد برسد. دست دوم چهار آیه را شامل می شود که دو آیه از آن، ویژه امت های پیشین بوده، یک آیه شامل امت اسلام و امت های پیشین است. این سه آیه ناظر به امت واحد بشری است؛ اما آیه چهارم ناظر به وحدت امت اسلام است. این آیات عبارتند از:

۱. «ولو شأ ربك لجعل الناس امة واحدة و لا يزالون مختلفين الا من رحم ربك»<sup>(۳۳)</sup> و اگر پروردگارت می خواست، مردم را امت یگانه ای قرار می داد؛ ولی همچنان اختلاف می ورزند، مگر کسانی که خداوند (بر آنان) رحمت آورد.

این آیه ناظر به امت واحد بشری است. علامه طباطبایی در این باره می گوید: مراد از وحدت و اختلاف در دین آیه، وحدت و اختلاف در دین است.<sup>(۳۴)</sup> فخر رازی نیز معتقد است که این آیه ناظر به امت واحد بشری است.<sup>(۳۵)</sup> رشید رضا هم چنین نظری دارد و بر این باور است که علت عدم اتحاد، امتحان انسان است.<sup>(۳۶)</sup>

۲. «ولو شأ الله لجعلهم امة واحدة و لكن يدخل من يشا في رحمة و الظالمون ما لهم من ولي و لا نصير»<sup>(۳۷)</sup> و اگر خداوند نمی خواست، آنان را امت یگانه ای قرار می داد؛ ولی هر کس را که بخواهد در جوار رحمتش در می آورد و مستمکاران (مشرک) یار و یاورى ندارند. این آیه نیز ناظر به امت واحد بشری است.

علامه طباطبایی و فخر رازی معتقدند که در این آیه، خداوند به پیامبر می فرماید: اگر خدا می خواست، همه مردم را یک امت قرار می داد، با صفاتی یکسان، به گونه ای که یا همه مومن باشند و وارد بهشت شوند یا همه کافر و وارد جهنم شوند؛ ولی سنت الهی این گونه است که انسان ها را آزاد بگذارد تا خود راهشان را برگزینند و آنگاه صالحان را از فاسقان جدا ساخته، صالحان را به بهشت و فاسقان را به جهنم وارد سازد.<sup>(۳۸)</sup>

۳. «ولو شأ الله لجعلكم امة واحدة و لكن ليلوكم في ما آتاكم فاستبقوا الخيرات»<sup>(۳۹)</sup> و اگر خداوند می خواست، شما را امت یگانه ای قرار می داد؛ ولی (چنین کرد) تا شما را در آنچه به شما بخشیده است بیازماید. خطاب آیه هم امت های پیشین و هم امت اسلام را شامل می شود و ناظر به امت واحد بشری است.

علامه طباطبایی، فخر رازی و رشید رضا در تفسیر آیه می گویند: این آیه، ناظر به امت واحد بشری است؛ اما خداوند برای امتحان افراد بشر و تفکیک نیکان و بدیان از یکدیگر، وحدت را در میان آنان ایجاد نکرد.<sup>(۴۰)</sup>

۴. «ولو شأ الله لجعلكم امة واحدة و لكن يفضل من يشا و لئلا تنزلن عما كنتم تعملون»<sup>(۴۱)</sup> و اگر خدا می خواست، شما را امت یگانه ای قرار می داد؛ ولی هر که را بخواهد، بپرازد و هر که را بخواهد به راه می آورد و از چون و چندانچه کردید، از شما خواهند پرسید. این آیه به امت واحد اسلامی نظر دارد.

علامه طباطبایی و فخر رازی، در تفسیر این آیه، بر این باورند که خداوند پس از اینکه در آیات قبلی، به اختلافات میان مردم اشاره کرده، در این آیه می فرماید که این اختلافات غرض الهی، در امر خلقت را نقض نمی کند؛ اگر خداوند بخواهد اینان را امت واحد قرار می دهد؛ لیکن این گونه نخواسته است تا هر کس با اراده و خواست خود، به سوی هدایت یا گمراهی برود و خداوند جزای عمل هر دو گروه را داده و

آنان را در قبال اعمالشان باز خواست می کند.<sup>(۴۲)</sup> دست سوم، آیتی که نشان می دهد، انسان ها در ابتدا امت واحدی بودند، سپس بین آنان اختلافاتی به وجود آمد و اتحادشان برهم خورد. این آیات عبارت است از:

۱. «كان الناس امة واحدة فبعث الله النبيين مبشرين و منذرين و انزل معهم الكتاب بالحق ليحكم بين الناس فيما اختلفوا فيه و ما اختلف فيه الا الذين اوتوه من بعد ما جاءهم البينات بغيا بينهم»<sup>(۴۳)</sup> در آغاز مردم امت یگانه ای بودند، آن گاه خداوند پیامبران مژده آور و هشدار دهنده برانگیخت و بر آنان، به حق، کتاب آسمانی نازل کرد تا در هر آنچه اختلاف می ورزند، در میان آنان داوری کند و در آن اختلاف نکرده، مگر کسانی که به آنان دین و کتاب داده شده بود که پس از آنکه روشنگری هانصیبشان شد، از رشک و رقابتی که با هم داشتند (به اختلاف دامن می زدند).

علامه طباطبایی و رشید رضا در تفسیر این آیه می نویسند: بر اساس این آیه، مردم در آغاز، در امور دنیوی و مادیات، امت واحدی بودند؛ یعنی همگی به نحو یکسان از مادیات بهره مند بودند تا اینکه با افزایش جمعیت بشر و گسترش نیازهای آنان، انسان ها برای رفع نیازهای خود، به همکاری متقابل پرداختند و این امر موجب اختلاف بین آنان شده است.

برای رفع این اختلافات، خداوند پیامبران و قوانینی را در قالب شریعت برای مردم فرستاد؛ لیکن عده ای از اهل کتاب با آگاهی و از سر ظلم، در شریعت الهی نیز اختلاف کردند و موجب تفرقه مردم شدند. بنابراین، از دیدگاه علامه طباطبایی و رشید رضا، امت واحدی که قرآن حکایت می کند، در امور دنیوی و مادیات واحد بوده اند.<sup>(۴۴)</sup>

فخر رازی نیز در تفسیر آیه می گوید: بر اساس این آیه مردم در ابتدا امت واحدی بودند؛ لیکن در زمان های بعدی، اختلاف پیدا کردند که این اختلاف به سبب حسد و نزاع عده ای در مادیات ایجاد شده است. وی در اینکه وحدت این امت در چه بوده، اقوالی را ذکر می کند و معتقد است که قول مشهور این است که در اعتقاد به حق و تبعیت از آن وحدت داشته اند.<sup>(۴۵)</sup>

۲. «ما كان الناس الا امة واحدة فاختلوا و لولا كلمة سبقت من ربك لفضي بينهم فيما فيه يختلفون»<sup>(۴۶)</sup> و مردم جز امت واحدی نبودند که سپس اختلاف پیدا کردند و اگر وعده خداوند از پیش مقرر نگشته بود (به تاخیر حکم و عذاب) بین آنان در آنچه اختلاف کردند، داوری می شد.

علامه طباطبایی و فخر رازی گفته اند: با توجه به این آیه، مردم در گذشته امت واحد بوده و دین واحد، یعنی دین توحیدی داشته اند. سپس در آن اختلاف کرده، برخی موحد و برخی مشرک شدند.<sup>(۴۷)</sup>

محمد رشید رضا این آیه را به گونه آیه قبلی تفسیر می کند.<sup>(۴۸)</sup> ۳. «ولو لولا ان يكون الناس امة واحدة لجعلنا لمن يكفر بالرحمن لبيوتهم سفكاً من فضة و معارج عليها يظهرون»<sup>(۴۹)</sup> و اگر نبود که (نمی خواستیم)، مردم امت یگانه ای (در کفر) می شدند، برای خانه های کسانی که بر خداوند رحمان کفر می ورزیدند، سقف هایی سیمین پدید می آوردیم و نیز نودبان هایی که از آن بالا روند.

علامه طباطبایی می گوید: این امت واحد، در برخورداری از اسباب و عوامل زندگی واحد بودند و خداوند برای بقای این وحدت، به کفار بزرتری این چنین نداده است.<sup>(۵۰)</sup>

بر این اساس انسان ها در ابتدا امت واحد بودند؛ اما بعد اختلافاتی بین آنان ایجاد شد. خداوند پیامبرانی را برای رفع این اختلافات فرستاد و پس از پیامبر خاتم، امامان (علیهم السلام) را به این امر مأموریت داد؛ هر چند در این خصوص، تاکنون نتیجه مطلوب به دست نیامده است؛ لیکن امید می رود، در حکومت حضرت مهدی (ع) امت واحدی پدیدار گردد.

فلسفه امت واحد

بی تردید از مهم ترین مسائل امروز جهان اسلام، وحدت است که به دلایل زیر ضروری می نماید:

۱. وحدت اسلامی فراهم کننده قدرتی حقیقی است که می تواند، تکیه گاه استواری برای مسلمانان، در رویارویی های فرهنگی بین تمدن ها باشد، زیرا اگر چه مسلمانان از نیروی عظیم انسانی، امکانات مادی فراوان، موقعیت های استراتژیک، روحیه معنوی بالا، فرهنگ و دیدگاه اعتقادی و فکری مترقی برخوردارند؛ اما چنانچه میان این اجزا و عناصر پراکنده، اتحادی ایجاد نشود، چنان

۳۵۷۷

که در حال حاضر چنین است. این مجموعه عظیم کارایی نخواهد داشت.<sup>(۳۱)</sup>  
۲. وحدت اسلامی می تواند، زمینه گسترده ای برای پژوهش و اجتهاد در منابع اسلامی فراهم آورد و بدین وسیله، در رویارویی های فکری، فرهنگی و حل مشکلات انسانی یاری رساند.

۳. وحدت اسلامی موجب الگو شدن دیدگاه های اسلامی است.<sup>(۳۲)</sup>  
۴. وحدت اسلامی بر توانایی و مقاومت جامعه در مواجهه با دشواری ها و بحران ها و برخورد با دشمنان خارجی می افزاید. قرآن کریم بر این نکته تاکید دارد که وحدت، مایه استواری و نیرومندی است و اختلاف موجب شکست و سستی است: «ولا تنازعوا فتشلقوا و تذهب ریحکم و اصبروا ان الله مع الصابرين»<sup>(۳۳)</sup> و اختلاف کلمه نداشته باشد که بد دل خواهید شد و شأن و شوکتان بر باد می رود و شکیبایی کنید که خداوند با شکیبایان است.

۵. وحدت اسلامی دستاورد طبیعی تکامل انسان و گویای پیشرفت و رشد فکری جامعه دینی است.<sup>(۳۴)</sup>  
۶. وحدت، عامل اساسی در پیروزی پیامبر اسلام و نیز پیروزی انقلاب اسلامی ایران بود؛ وحدت همواره و در همه جا عامل پیروزی بوده و خواهد بود.<sup>(۳۵)</sup>

#### عقل فروپاشی امت واحده

برخی عواملی که موجب فروپاشی امت واحده (و حتی وحدت) می شود از این قرار است:

۱. ظلم، حسد و نزاع در طلب دنیا؛ عده ای برای کسب مادیات، از روی علم و آگاهی، در کتاب خداوند اختلاف ایجاد کرده و موجب تفرقه و فروپاشی امت واحد شدند: «کان الناس امة واحدة فبعث الله النبیین مبشرین و منذرین و انزل معهم الکتاب بالحق لیحکم بین الناس فیما اختلفوا فیهِ و ما اختلف فیهِ الا الذین اتوه من بعد ما جائتهم البینات بغیا بینهم»<sup>(۳۶)</sup> در آغاز مردم امت یگانه ای بودند و آن گاه خداوند پیامبران مژده آور و هشدار دهنده برانگیخت و بر آنان به حق کتاب های آسمانی نازل کرد تا در هر آنچه اختلاف می ورزند، در میان مردم داوری کند و در آن اختلاف نکرند؛ مگر کسانی که به آنان دین و کتاب داده شده بود که پس از آنکه روشنگری ها نصیحتان شد، از رشک و رقابتی که با هم داشتند (به اختلاف دامن زدند).

۲. عدم موفقیت در ابتلا و آزمایش الهی: خداوند به رغم اینکه می توانست، مردم را قهرا به اتحادی که مطلوب اوست، وادارد؛ لکن به آنان اختیار داد که خود این راه را برگزینند تا بیازماید که چه کسانی نعمت های خدا را در راهی که مطلوب خداست، در راستای ایجاد وحدت، به کار می برند و چه کسانی تخلف کرده، به اختلاف و تفرقه چنگ می زنند: «ولو شاء الله لجمعکم امة واحدة و لکن لیلوکم فیما آتاکم»<sup>(۳۷)</sup> و اگر خداوند می خواست شما را امت یگانه ای قرار می داد؛ ولی (چنین نکرد) تا شما را در آنچه به شما بخشیده است بیازماید.

۳. فرقه گرایی ها و تفرقه طلبی های مردم: «ولا تکنوا من المشرکین من الذین فرقوا دینهم و کانوا شیعا»<sup>(۳۸)</sup> و از مشرکان می باشد، از همان کسانی که دینشان را پاره و پراکنده کردند و فرقه فرقه شدند.

۴. تفرقه افکنی های دشمنان: دشمنان اسلام از آغاز ظهور اسلام تاکنون، همواره برای تفرقه اندازی و فروپاشی وحدت اسلامی تلاش کرده و می کنند: «یا ایها الذین آمنوا لاتتخذوا بطانة من دونکم لایالونکم خیالاً و دوا ما عتتم قد بدت البغضاء من افواههم و ما تخفی صدورهم اکبر»<sup>(۳۹)</sup> ای مؤمنان، از غیر خودتان کسانی را به همدلی نگیرید که از هیچ نابه کاری در حق شما فرو گذار نکنند و به رنج و مخنت افتادن شما را خوش دارند و دشمنی از لحن و سخنان آشکار شده است و آنچه دل هایشان پنهان می دارد، بدتر است.

۵. وسوسه ها و القانات شیطانی: «ان الشیطان ینزع بینهم ان الشیطان کان للانسان عدواً مبیناً»<sup>(۴۰)</sup> همانا شیطان میان آنها را به هم می زند؛ بی گمان شیطان دشمن آشکار انسان است.

عوامل دیگری نیز هست که گاه موجب بروز اختلاف میان مردم یک منطقه یا یک شهر می شود؛ از آن جمله است:

۱. مسخره کردن گروهی، گروه دیگری را: «یا ایها الذین آمنوا لایسخر قوم من قوم»<sup>(۴۱)</sup> ای مؤمنان، نباید که قومی، قوم دیگر را به ریشخند بگیرند.  
۲. بدگمانی به یکدیگر: «یا ایها الذین آمنوا اجتنبوا کثیراً من الظن ان بعض الظن

اثم»<sup>(۴۲)</sup> ای مومنان، از بسیاری گمان ها بپرهیزید؛ چرا که بعضی گمان ها گناه است.  
۳. اتصاف یکدیگر به لقب های زشت: «ولا تتابروا باللقاب»<sup>(۴۳)</sup> و یکدیگر را به لقب های بد می خوانید.

۴. غیبت کردن: «ولا یغتب بعضکم بعضاً یحب احدکم ان یاکل لحم اخیه میتاً فکرهتموه»<sup>(۴۴)</sup> و بعضی شما از بعضی دیگر غیبت نکنند؛ آیا هیچ یک از شما خوش دارد که گوشت برادر مرده اش را بخورد که از آن تنفر دارید.

استراتژی قرآنی در تحقق امت واحد  
قرآن کریم برای تحقق امت واحد، عوامل زیر را یاد آور شده است:

#### ۱. اخوت میان مسلمانان

از دیدگاه قرآن کریم، همه مؤمنان با هم برادرند. بنابراین باید با هم متحد باشند و اگر در موردی بین دو مومن، اختلاف یا نزاعی پیش آمد، سایر مومنان باید بین آن دو صلح و دوستی برقرار کنند: «انما المؤمنون اخوة فاصلحوا بین اخویکم»<sup>(۴۵)</sup> همانا مؤمنان (مسلمانان) برادرند، پس بین برادرانتان آشتی برقرار سازید. «و اذکروا نعمت الله علیکم اذ کتمتم اعداء فالف بین قلوبکم فاصبحتم بنعمته اخواناً»<sup>(۴۶)</sup> و نعمت خداوند را بر خود یاد کنید که دشمنان همدیگر بودید و او میان دل های شما الفت داد و به نعمت او با هم دوست شدید.

از نگاه علامه طباطبایی، اخوت میان مؤمنان، اخوت تشریحی است و حقوقی را در بر دارد.<sup>(۴۷)</sup>

#### ۲. مودت بین مسلمانان

مودت، یعنی دوست داشتن چیزی و نیز به معنای آرزو کردن وجود و حصول آنچه محبوب است.<sup>(۴۸)</sup>

از دیدگاه قرآن کریم، مؤمنان باید با یکدیگر مودت و محبت داشته باشند که این خود، وحدت و همدلی را به دنبال دارد: «و جعل بینکم مودة و رحمة ان فی ذلک لایات لقوم یتفکرون»<sup>(۴۹)</sup> و در میان شما دوستی و مهربانی افکند و در این امر برای اندیشه وران مایه های عبرت است.

«ان الذین آمنوا و عملوا الصالحات سیجعل لهم الرحمن ودا»<sup>(۵۰)</sup> کسانی که ایمان آورده و کارهای شایسته کرده اند، زودا که خداوند رحمان در حق آنان مهربانی کند.

#### ۳. الفت میان مسلمانان

الفت، یعنی ضمیمه کردن چیزی به چیز دیگر یا ضمیمه ساختن چند چیز با هم.<sup>(۵۱)</sup> قرآن کریم مومنان را به الفت با یکدیگر ترغیب کرده، می فرماید: «و اذکروا نعمت الله علیکم اذ کتمتم اعداء فالف بین قلوبکم»<sup>(۵۲)</sup> و نعمت خداوند را بر خود یاد کنید که دشمنان همدیگر بودید و او میان دل های شما الفت داد.

#### ۴. رحمت مسلمانان بر یکدیگر

رحمت به معنای رقت، عطف و رافت است.<sup>(۵۳)</sup> علامه طباطبایی می نویسد: رحمت اثری نفسانی است که با مشاهده محرومیت و حاجت شخص محروم، در قلب انسان ایجاد می شود و مشاهده کننده را به کمک به محروم قرامی خوانند.<sup>(۵۴)</sup> قرآن در این باره می فرماید: «و جعل بینکم مودة و رحمة»<sup>(۵۵)</sup> و در میان شما دوستی و مهربانی افکند. نیز در جای دیگر فرمود: «محمد رسول الله و الذین معه اشداء علی الکفار رحماً بینهم»<sup>(۵۶)</sup> محمد پیامبر الهی است و کسانی که با او هستند، بر کافران سختگیر و با خودشان مهربان اند.

#### ۵. رافت مسلمانان

رافت به معنای رحمت و برتر و شدیدتر از رحمت است، چرا که ممکن است رحمت از روی کراهت باشد؛ ولی رافت چنین نیست، بلکه با رضایت قلبی است.<sup>(۵۷)</sup> عربی شک رافت مسلمانان به یکدیگر، در اتحاد و همدلی آنان نقش به سزایی دارد. قرآن کریم درباره اصحاب حضرت عیسی می فرماید: «و جعلنا فی قلوب الذین اتبعوه رافة و رحمة»<sup>(۵۸)</sup> و در دل کسانی که از او پیروی کردند، رافت و رحمت قرار دادیم.

علامه طباطبایی<sup>(۵۹)</sup> در این باره می نویسد: در مورد اصحاب پیامبر نیز قضیه چنین است، چون خداوند درباره شان می فرماید: «رحماً بینهم»<sup>(۶۰)</sup>

#### ۶. عفو

عفو به معنای ترک چیزی<sup>(۶۱)</sup> یا «صرف نظر کردن از چیزی که اقتضای نظر و توجه دارد»<sup>(۶۲)</sup> آمده است. قرآن کریم، مسلمانان را به عفو قرا خوانده، می فرماید:

۲۵۷

دمن عفا واصلح فاجره علی الله<sup>۳۳</sup> پس هر که عفو و نیکو کاری پیشه کند، پاداش او بر خداوند است.

۷. صلح و سازش

صلح به معنای مصالحه کردن، اصلاح و آشتی دادن آمده است.<sup>(۳۴)</sup> قرآن کریم از مسلمانان می خواهد که در صورت نزاع بین عده ای، میان آنان صلح و آشتی برقرار سازند: «وَإِنْ طَائِفَتَانِ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ اقْتُلُوا فَاصلحوا بینهما»<sup>(۳۵)</sup> و اگر دو طایفه از مومنان با هم در افتند، میان آنان را سازش دهید.

در آیه دیگر هم آمده است: «فَاتقوا الله واصلحوا ذات بینکم»<sup>(۳۶)</sup> پس از خداوند پروا کنید و بین خودتان آشتی کنید.

۸. رد امتیازات قومی

قرآن کریم ضمن توجه دادن مومنان به اینکه همه از مردوزنی زاده شده اند و مثل هم هستند، به آنان هشدار می دهد که اگر قبیله قبیله اند، به این علت است که همدیگر را بشناسند و الا این امر مایه برتری گروهی بر گروه دیگر نیست: «یا ایها الناس انا خلقناکم من ذکر و اثنی و جعلناکم شعوباً و قبائل لتعارفوا ان اکر مکم عندالله اتفاقکم؛ همان ای مردم، همانا ما شمارا از یک مرد و یک زن آفریده ایم و شما را به هیات اقوام و قبایل در آورده ایم، تا با یکدیگر انس و آشنایی یابید؛ بی گمان گرامی ترین شما در نزد خداوند پرهیزگارترین شماست.

۹. احترام به ادیان دیگر و سایر پیامبران الهی

قرآن می فرماید: «قالوا ائمانا بالله و ما انزل الینا و ما انزل الی ابراهیم و اسماعیل و اسحق و یعقوب و الاسباط و ما اوتی موسی و عیسی و ما اوتی النبیون من ربهم»<sup>(۳۷)</sup> بگو به خداوند و به آنچه بر ما و آنچه بر ابراهیم و اسماعیل و اسحاق و یعقوب و اسباط نازل شده و آنچه به موسی و عیسی و آنچه به پیامبران از سوی پروردگارشان داده شده، ایمان آورده ایم.

۱۰. اختصاص خداوند به اهل کتاب یا مسلمانان

دلیس یا مانیکم و لا امانی اهل الکتاب من یعمل سوءاً یجز به؛<sup>(۳۸)</sup> (و عده الهی) بر وفق آرزوهای شما و آرزوهای اهل کتاب نیست، هر کس مرتکب عمل ناشایستی شود، جزای آن را می یابد و برای خود در برابر خداوند یار و یاور نمی یابد. عمل به آموزه های قرآنی در تحقق امت واحده، ضمن اینکه تحقق بخش و وحدت در میان مسلمانان است. زمینه ساز همگرایی و وحدت در میان تمامی انسان ها نیز خواهد بود ظهور موعود، حضرت بقیه الله (عج)، حلقه نهایی تشکیل امت واحده اسلامی و پایان دوره و اگرایی است.

پی نوشت ها:

۱. دانش آموخته حوزه علمیه قم و پژوهشگر علوم قرآنی.
۲. انفال (۸) آیه ۳۶.
۳. سید محمد حسین طباطبائی، المیزان (قم: موسسه مطبوعاتی اسماعیلیان، ۱۳۹۲ق) ج ۸، ص ۱۲۵؛ فخر الدین محمد رازی، تفسیر کبیر (بیروت: دارالمعرفه، ۱۳۱۲ق) ج ۸، ص ۶۲
۴. نسا (۴) آیه ۱.
۵. سید محمد حسین طباطبائی، پیشین، ج ۲، ص ۱۳۵؛ فخر الدین محمد رازی، پیشین، ج ۵، ص ۱۶۷.
۶. محمد رشید رضا، المنار (بیروت: دارالمعرفه، ۱۳۱۲ق) ج ۲، ص ۲۲۳، ۲۲۶.
۷. فخر الدین محمد رازی، پیشین، ص ۱۶۷.
۸. انعام (۶) آیه ۸۸.
۹. سید محمد حسین طباطبائی، پیشین، ج ۷، ص ۲۲۸.
۱۰. فخر الدین محمد رازی، پیشین، ج ۷، ص ۱۰۷.
۱۱. محمد رشید رضا، پیشین، ج ۷، ص ۶۳۸.
۱۲. آیات دیگری نیز در این باره وجود دارد از جمله: اعراف (۷) آیه ۱۸۹ و زمر (۳۹) آیه ۶.
۱۳. عبدالله حامد، اختلاف در امت واحد (تهران: انتشارات قلم)، ص ۲۲.
۱۴. محمد رشید رضا، پیشین، ج ۲، ص ۲۶۷.
۱۵. انبیا (۲۱) آیه ۹۲.
۱۶. اعراف (۷) آیه ۱۸۱.
۱۷. هود (۱۱) آیه ۸.
۱۸. نحل (۱۶) آیه ۱۲۰.
۱۹. انبیا (۲۱) آیه ۹۳، ۹۲.
۲۰. مومنون (۳۳) آیه ۵۲، ۵۳.
۲۱. فخر الدین محمد رازی، پیشین، ج ۱۲، جزء ۳۳، ص ۱۰۵.
۲۲. هود (۱۱) آیه ۱۱۸.
۲۳. سید محمد حسین طباطبائی، پیشین، ج ۱۱، ص ۶۵.
۲۴. فخر الدین محمد رازی، پیشین، ج ۸، جزء ۱۸، ص ۷۸.

۲۵. محمد رشید رضا، پیشین، ج ۱۲، ص ۱۹۳.
۲۶. شوری (۲۲) آیه ۸.
۲۷. سید محمد حسین طباطبائی، پیشین، ج ۱۸، ص ۱۷؛ فخر الدین محمد رازی، پیشین، ج ۱۲، جزء ۱۷، ص ۱۲۹.
۲۸. مائده (۵) آیه ۳۸.
۲۹. سید محمد حسین طباطبائی، پیشین، ج ۵، ص ۳۸۲؛ فخر الدین محمد رازی، پیشین، ج ۶، جزء ۱۲، ص ۱۱۴؛ محمد رشید رضا، پیشین، ج ۲، ص ۴۸.
۳۰. نحل (۱۶) آیه ۹۳.
۳۱. سید محمد حسین طباطبائی، پیشین، ج ۱۲، ص ۳۵۹؛ فخر الدین محمد رازی، پیشین، ج ۱۰، جزء ۲۰، ص ۱۱۲.
۳۲. بقره (۲) آیه ۲۱۳.
۳۳. سید محمد حسین طباطبائی، پیشین، ج ۲، ص ۱۱۱؛ محمد رشید رضا، پیشین، ج ۲، ص ۲۷۶.
۳۴. فخر الدین محمد رازی، پیشین، ج ۳، ص ۱۳.
۳۵. یونس (۱۰) آیه ۱۹.
۳۶. سید محمد حسین طباطبائی، پیشین، ج ۱۰، ص ۲۸؛ فخر الدین محمد رازی، پیشین، ج ۸، جزء ۱۷، ص ۶۴.
۳۷. محمد رشید رضا، پیشین، ج ۱۱، ص ۳۲۸.
۳۸. زحرف (۲۳) آیه ۳۳.
۳۹. سید محمد حسین طباطبائی، پیشین، ج ۱۸، ص ۱۰۵.
۴۰. سید محمد باقر حکیم، وحدت اسلامی (از دیدگاه قرآن و سنت)، ترجمه عبدالهادی فتوی زاده (تهران: تپیان، ۱۳۷۷)، ص ۳۶.
۴۱. همان.
۴۲. انفال (۸) آیه ۲۶.
۴۳. سید محمد باقر حکیم، پیشین، ص ۱۱۷.
۴۴. صلاح الدین حسام، فوحدت و ضرورت آن، وحدت مسلمین (دفتر کنگره جهانی ائمه جمعه و جمعاعات)، ص ۵۱۳.
۴۵. بقره (۲) آیه ۲۱۳.
۴۶. مائده (۵) آیه ۳۸.
۴۷. روم (۳۰) آیه ۳۲.
۴۸. آل عمران (۳) آیه ۱۱۸.
۴۹. اسرا (۱۷) آیه ۵۳.
۵۰. حجرات (۴۹) آیه ۱۱.
۵۱. همان، آیه ۱۲.
۵۲. همان، آیه ۱۱.
۵۳. همان، آیه ۱۲.
۵۴. همان، آیه ۱۰.
۵۵. آل عمران (۳) آیه ۱۰۳.
۵۶. سید محمد حسین طباطبائی، پیشین، ج ۳، ص ۳۷۱.
۵۷. راغب اصفهانی، المفردات فی غریب القرآن (بیروت: دارالمعرفه، ۱۳۱۸ق) ص ۵۳۲.
۵۸. روم (۳۰) آیه ۲۱.
۵۹. مریم (۱۹) آیه ۹۶.
۶۰. احمد بن فارس، معجم مقاییس اللغه (قم: مکتب الاعلام الاسلامی، ۱۳۰۴ق) ج ۱، ص ۱۳۶.
۶۱. آل عمران (۳) آیه ۱۰۳.
۶۲. احمد بن فارس، پیشین، ج ۲، ص ۴۹۸.
۶۳. سید محمد حسین طباطبائی، پیشین، ج ۱۴، ص ۱۱۳.
۶۴. روم (۳۰) آیه ۲۱.
۶۵. فتح (۲۸) آیه ۲۹.
۶۶. ابن منظور، لسان العرب (بیروت: دار احیاء التراث العربی، ۱۳۱۶ق) ج ۵، ص ۸۲.
۶۷. حدید (۵۷) آیه ۲۷.
۶۸. سید محمد حسین طباطبائی، پیشین، ج ۱۹، ص ۱۷۳.
۶۹. فتح (۲۸) آیه ۲۹.
۷۰. احمد بن فارس، پیشین، ج ۲، ص ۵۶.
۷۱. حسین مصطفوی، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم (وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۶۸)، ج ۸، ص ۸۱.
۷۲. شوری (۲۲) آیه ۴۰.
۷۳. احمد بن فارس، پیشین، ج ۲، ص ۵۰۸.
۷۴. بقره (۲) آیه ۳۳۷.
۷۵. احمد بن فارس، پیشین، ج ۳، ص ۲۹۳.
۷۶. حسین مصطفوی، پیشین، ج ۵، ص ۲۸۶.
۷۷. خلیل بن احمد فرامیدی، ترتیب کتاب العین، ج ۲، ص ۳۳۳.
۷۸. نور (۲۴) آیه ۲۲.
۷۹. ابن منظور، پیشین، ج ۷، ص ۳۸۴.
۸۰. حجرات (۴۹) آیه ۹.
۸۱. انفال (۸) آیه ۱.
۸۲. حسن مصطفوی، پیشین، ج ۸، ص ۹۶.
۸۳. راغب اصفهانی، پیشین، ص ۳۳۴.
۸۴. حجرات (۴۹) آیه ۱۳.
۸۵. بقره (۲) آیه ۱۳۶.
۸۶. نسا (۴) آیه ۱۳۳.

۲۰۲